

آتش و پیدایش آن

دست یافتن به آتش و تهیه آن از رویدادهای مهم است که سهم زیادی در پیشرفت انسانها در راه تمدن داشته است. در طی یک میلیون سالی که از عمر بشر میگذرد بزرگترین پیروزی و موفقیتی که نصیب انسان شده، سخن گفتن و کشف آتش است که صنعت با پیدا شدن آتش امکانپذیر گشته است. انسان با دیدن صاعقه و آتش گرفتن جنگلها و مواد مذاب آتشفشانها با آتش آشنایی پیدا کرده است، ولی تهیه آن به وسیله خود او مدتها به طول انجامیده است. انسان با مالش قطعات چوب و سنگها بر روی یکدیگر موفق به تهیه آتش گردیده است و توانسته بر تاریکی پیروز شود و از تاریکی هراس نداشته باشد.

فردوسی در شاهنامه در خصوص پیدایش آتش چنین مینویسد :

روزی هوشنگ پادشاه پیشدادی با لشکریان خود در سر راه ماری را دید، سنگی بر گرفت و به سوی مار فکند آن سنگ بر سنگی دیگر خورد و از میان دو سنگ آتشی پدید آمد و مردمان افروختن آتش را از این پیشامد فرا گرفتند و از آن پس با زدن سنگی بر سنگی دیگر آتش را پدید آوردند.

آتش سبب پیدایش هنر غذا پختن گردیده و هزاران نوع مواد غیر قابل خوردنی، قابل خوردن گردیده است و دیگر انسان مجبور نبوده که گوشت خام حیوانات را بخورد. به وسیله آتش است که انسان توانسته است فلزات را ذوب کند و به عالم صنعت و سازندگی وارد شود و این یکی از گامهای بزرگی است که انسان در راه تمدن برداشته است. برای انسانها آتش باندازه یی پر سود و شگفت آور بوده که آنها چون یکی از خدایان ستایش میکرده است. مصریها چون خورشید را ستایش میکردند، محققا به آتش که مظهری از روشنایی خورشید بوده، احترام میگذاشتند و گاهی برای آتش جشنهای مخصوص به پا میکردند. آتش در نزد هندیان نیز مورد احترام بوده است و در کتاب مقدس برهمنان آگنی پروردگار آتش است. چینیها خدایی داشتند بنام تسووانگ که مظهر آتش بوده است و در هر خانه ای تصویر و یا مجسمه ای از این خدا وجود داشته است. در نزد یونانیان خدای آتش پسر زئوس است. رومیان آتش را ستایش میکردند و خدایی بنام وستا داشتند، که همواره در معبد وستا بر افروخته بوده است. حافظین این آتش را دخترانی تشکیل میدادند که با شرایط خاصی به وسیله بیست تن از پیشوایان مذهبی انتخاب میشدند، این دختران سنشان از شش سال کمتر و ده سال بیشتر نبوده است.

اگر آتش کشف نمیشد، انسان تا پایان حیات خود پای بند سنگ و استخوان و چوب بوده و بهمین جهت تمام دسته های انسانی برای آتش ارزش و احترام زیاد قائل بودند و آنها یک موهبت آسمانی میدانستند و معابدی برای آستایش آن میساختند.

ایرانیان قدیم برای حفظ و مراقبت آتش، معابد و آتشکده های زیادی بر پا کرده اند و معتقد بوده اند که نباید این مظهر خدایی خاموش شود. احترام به آتش از دوران باستان تا کنون معمول بوده است و هنوز در اغلب جوامع انسانی مقام و منزلت خاص دارد به خصوص در میان زردشتیان.

آثار احترام به آتش هنوز در بین بسیاری از مردم جهان باقی است. در کلیسای کاتولیک همیشه چراغی افروخته است، یهودیان شمعدانهایی در منزل دارند که دارای هفت شاخه است و در روزهای عید آنرا روشن میکنند. چینیها هر کس از اهل خانه بمیرد چراغ مخصوص برایش درست میکنند و سالها برای مرده چراغ می افروزند.

در بعضی از قبایل ایران، آتش مقدس است و بدان سوگند میخورند. در بیشتر خانه ها شب جمعه چراغ را تا بامداد روشن نگاه میدارند و در سر سفره عقد نیز شمع میگذارند. در بعضی روستاها پس از مردن یک نفر از اهل خانه، تا سه شب چراغ را خاموش نمیکنند، در جشن تولد به تعداد سن اشخاص شمع روشن میگذارند، همه این آداب دلیل احترام به آتش است.

آتش در نزد ایرانیان بیش از سایر مردم جهان مورد احترام بوده است: گزنفون می نویسد که آتش و آب مظهر برخی از پروردگاران ایرانیان بوده است.

هرودوت می نویسد: سوزانیدن لاشه نزد ایرانیان گناهی بزرگ شمرده میشود. چون آتش را که مقدس است آلوده میکند.

استرابون مینویسد: به نظر ایزانیان دمیدن به آتش گناه است و سوگند ایرانیان در برابر آتش بسیار مهم بوده است.

در دوره ساسانیان آتشدان علامت ملی و بر وری سکه ها نقش گردیده است. امروزه مردم ایران در شب چهارشنبه آخر سال

آتش روشن میکنند و در گذشته که از چراغ نفتی استفاده میکردند هنگام روشن کردن چراغ صلوات میفرستادند.

زردشتیان کنونی در آتشکده، آتش را همیشه روشن نگاه میدارند و موبدان در وقت خواندن اوستا در مقابل آتشدان پارچه یی به

نام پتام جلوی دهان خود میبستند که آتش آلوده نشود.

علت ستایش آتش

در حکمت اشراق نور اثر حقیقی وجود است، چون مهر و محبت و سایر عواطف همگی از نور است، حرکت نیز از نور و سکون

از ظلمت است. آتش در پرستشگاهها واسطه و رابطه با عالم روحانی بوده و دعاهای بشر را با شعله های خود که به منزله

بالهای آتشین است، به سوی آسمان میبرده است. به عقیده ایرانیان آتش مخلوق اهورامزدا بوده و آنچه آفریده اوست باید

محترم شمرده شود.